

بررسی جایگاه شعر و شاعران در نسخه خطی جواهرالاسرار آذری طوسی

اسماعیل زارعمند^۱، علی رضائی^۲، رسول عبادی^۳

چکیده

شیخ آذری طوسی اسفراینی از شاعران و نویسندگان قرن نهم است که آثاری در نظم و نثر دارد. جواهرالاسرار را در چهار باب در موضوع‌های مختلف نوشته است. در این مقاله با شیوه توصیفی - تحلیلی جایگاه شعر و تفسیر اشعار شاعران در نسخه خطی این اثر بررسی شده است. شیخ آذری در این کتاب علاوه بر اینکه یک فصل و یک باب مشخص در شرح و تفسیر اشعار شاعران دارد، در باب‌های دیگر نیز از شعر برای نشان دادن سواد علمی و ادبی، زیبایی شناسی، تفسیر و تبیین اندیشه مضامین مختلف به اقتضای متن استفاده کرده است. با شرح و تفسیر اشعار، او را باید جزو اولین شارحانی بنامیم که توانسته اشعار شعرا را شرح دهد. در شرح اشعار، به شرح ساختار شعر، خوانش شعر بر مبنای قواعد دستوری، شرح مفاهیم نمادین عرفانی شعر، توضیح تلمیحات و واژه‌های مشکل، توضیح اطلاعات علمی در شعر، تفسیر عرفانی اشعار و بررسی زندگینامه شاعران و نقد اشعار آنها پرداخته است. نتایج تحقیق با این دستاورد نشان می‌دهد: جواهرالاسرار منبع مفیدی در شرح اشعار دشوار شاعران، معرفی زندگی و نقد اشعار آنها می‌باشد که در تحقیقات علمی می‌تواند به صورت یک کتاب مرجع استفاده شود و درستی و نادرستی آن بررسی گردد.

کلید واژه‌ها: شیخ آذری، نسخه جواهرالاسرار، شعر، تفسیر، شرح، شاعران.

^۱ - دانشجوی دکترای گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران. zaremand.e@gmail.com

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران. (نویسنده مسئول)

a-ramazani@iau-ahar.ac.ir

r.ebadi@iau-ahar.ac.ir

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

۱. مقدمه

تصحیح متون ادبی به منزله احیاء و زنده کردن فرهنگ و ادبیات کهن است. مسلماً شناساندن آن به جامعه ادبی و بازکردن راهی برای تحقیق بیشتر، زمینه را برای مطالعات مختلف فراهم می‌کند. نسخه جواهر الاسرار نوشته شیخ آذری طوسی اسفراینی نیز از کتاب‌های ارزشمندی است که علاوه بر مطالعات سبک‌شناسی و ادبی، یک کتاب کاربردی در موضوع‌های مختلف می‌باشد. شیخ آذری از مشاهیر بزرگ عصر تیموری است که جواهر الاسرار را، با یک دیباچه، چهار باب در موضوع‌های قرآن، حدیث، عرفان و شعر تألیف کرده است، کتاب دارای نثری روان، آمیخته با واژه‌ها و جمله‌های عربی و تا حدی متمایل به صنایع ادبی است، اما در کلیت سبک‌شناسی مطابق نثر دوره تیموری ساده می‌باشد. آذری قبل از این کتاب، اثری به نام مفتاح الاسرار نوشته بود و جواهر الاسرار را ادامه آن نوشت. در معرفی کتاب گفته است: «چون این دستور، صورت انتخاب مفتاح الاسرار بود، او را جواهر الاسرار نام نهاده، و چون در اصول معرفت او ترتیبی که موجب تغییر اصل وضع کتاب باشد نرفت، خطبه کتاب نیز تغییر داده نشد.» (نسخه: ۲) رسالت اصلی آذری در این کتاب شرح و تفسیر است. با استناد به دیدگاه‌های صاحب‌نظران و تحلیل خودش، موضوع‌های چهارگانه را در هر باب تفسیر کرده است. در مقدمه کتاب گفته است: «امید به کرم عالم السر آن است که هر که بر اسرار مسایل این مجموعه وقوف یابد ملکه اقتدار او از حل باقی مشکلات عاجز نگردد.» (همان: ۱۲) در این مقاله جایگاه و تفسیر اشعار در این نسخه خطی بررسی شده است.

۱-۲ مسأله تحقیق

شرح و ارزیابی شعر و نقد و بررسی شعر شاعران، یکی از مواردی است که محققان در قرون مختلف به آن پرداخته‌اند و راهی برای شناخت شعر، شرح دشواری آن و معرفی شاعران می‌باشد. شیخ آذری را باید جزو اولین محققان دانست که در قرن نهم هجری در کتاب جواهر الاسرار سعی کرد، شرحی بر دشواری شعر شاعران بنویسد. یک بخش کتاب او در فصل سوم با عنوان «در بیان کلام منظوم» و کل فصل چهارم با عنوان «در بیان کلام شعرا» در شرح اشعار شاعران است که در آن سعی کرده است اشعار دشوار برخی شاعران را توضیح دهد و در ضمن آن نظرات خودش را در باب شعر، معرفی شاعران و نقد شاعران آورده است. بنابراین در این جستار برآنیم که دانسته شود:

۱- شرح شعر شاعران در نسخه خطی جواهرالاسرار چگونه است؟

۲- شیخ آذری در نقد و بررسی شاعران چه نظراتی دارد؟

۱-۳ پیشینه تحقیق

تصحیح کامل نسخه جواهرالاسرار در کتاب مشخص و مجزا تاکنون انجام نشده است، اما اولین بار چاپ این اثر به صورت برگزیده در سال ۱۳۰۳ با چاپ سنگی انجام گرفت. در سال ۱۳۸۷ احمد شاهد گزیده کتاب را همراه با نقد و تفسیر اثر چاپ کرد. بعد از آن در چندین رساله، بخش‌هایی از نسخه تصحیح شده است. از جمله:

- محمدی فشارکی (۱۳۷۹) باب چهارم آن را با عنوان «تصحیح و شرح جواهرالاسرار (بخش کلام شعرا)» تصحیح نموده‌اند.

- فرود (۱۳۸۲) باب اول و دوم آن را تصحیح کرده‌اند.

- حسین آبادی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه «تصحیح انتقادی و تحلیل مقدمه و فصل اول از باب سوم جواهرالاسرار شیخ آذری اسفراینی» مقدمه و فصل اول باب سوم را تصحیح نموده‌اند.

- همچنین این نویسنده در پایان‌نامه ارشد موضوع «اندیشه‌های عرفانی شیخ آذری اسفراینی براساس کتاب جواهرالاسرار» را ارائه داده‌اند.

در حوزه مقاله نیز چندین مقاله چاپ شده است که عبارتند از:

- حسین آبادی و عباسی (۱۳۹۳) در مقاله «اندیشه‌های عرفانی شیخ آذری اسفراینی در آینه جواهرالاسرار» به مباحثی که آذری در موضوع‌های خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی دارد، پرداخته‌اند.

- خیاطیان و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی و مقایسه شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی و جواهرالاسرار شیخ آذری اسفراینی» نظرات آذری را در مورد شطح با روزبهان بقلی بررسی کرده‌اند. این مقاله‌ها براساس نسخه چاپ شده احمد شاهد انجام گرفته است.

- همچنین مقاله «شطح و شطحیات معروف عرفا از دیدگاه آذری طوسی در «جواهر الاسرار» از نویسندگان این مقاله در سال ۱۴۰۰ و مقاله «بررسی سبک شناسی جواهر الاسرار آذری طوسی اسفراینی» در سال ۱۴۰۱ چاپ شده است.

- در ارتباط با جایگاه و بررسی شعر شاعران، فقط مهدوی فر (۱۳۹۲) در مقاله «شرح دو بیت خاقانی از شیخ آذری طوسی» صرفاً شرحی که آذری طوسی بر دو بیت خاقانی نوشته، توضیح داده است، همچنین در مقاله چاپ شده نگارندگان در ماهنامه بهار ادب نیز در بخش سبک فکری، تفسیر اشعار آمده است، اما به بررسی جامع در جایگاه شعر و شرح اشعار پرداخته نشده و صرفاً در حد یک شاخصه سبکی است. در مقاله حاضر با تأکید بر اهمیت شعر در نسخه جواهر الاسرار و جایگاه شارح بودن آذری، نحوه استفاده آذری از اشعار شاعران، ارتباط شعر با متن اصلی، جایگاه شاعران، شرح دشواری اشعار بررسی شده است.

۱- ۴ روش تفصیلی تحقیق

تصحیح چهار نسخه خطی جواهر الاسرار، موضوع پایان نامه اینجانب است و مقاله حاضر بعد از تصحیح نسخ، نوشته شده است. روش مطالعه به شیوه کتابخانه‌ای و نگارش به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد. ارجاعات مقاله براساس متن تصحیح شده است.

۲- مبانی نظری تحقیق

۳- ۱ معرفی شیخ آذری و نسخه جواهر الاسرار

نورالدین محمد بن عبدالملک اسفراینی یا فخرالدین حمزه علی‌ملک اسفراینی معروف به «شیخ آذری» در حدود سال‌های ۷۸۲ تا ۷۸۴ هـ.ق. در اسفراین به دنیا آمد. صفا سال تولد وی را سال ۷۸۴ معرفی کرده است. (صفا، ۱۳۶۴، ج ۴: ۳۲۳) در مقدمه کتاب مفتاح الاسرار شرح حالی برای خود نوشته است، آنجا خود را علی حمزه بن علی ملک بن حسن طوسی البیهقی المولد والاسفراینی معرفی کرده است (نقل از آذری اسفراینی، ۱۳۹۰، مقدمه: ۴۸) در مورد تخلص آذری،

«تاریخ فرشته» به نقل از خود وی، ماه تولد شیخ را آذرماه معرفی کرده و گفته است شیخ آذری در پاسخ الغیبیگ میرزا گفته چون در ماه آذر زاده شده، خود را آذری نامیده است. (هندوشاه، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۷۶) در انتساب به طوسی نیز چون مدتی در طوس زندگی کرده است، طوسی گفته‌اند (آذری اسفراینی، ۱۳۹۰، مقدمه: ۳۱) سمرقندی در تذکره الشعرا در مورد نسب وی گفته است: «شیخ آذری خواجه علی ملک از بزرگان دولت سربداران، که پشت او به معین‌الدین صاحب‌الدعوه احمد بن محمد الزمجدی الهاشمی المروزی می‌رسد که در وقت سربداران در اسفراین صاحب اختیار بود». (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۹۸-۳۹۹)

«در دوره جوانی از اسفراین به عزم سفر، خارج شد و در طول عمر خود در شهرهای مختلف اقامت کرد. بعد از سفر حج، مدتی در شهر حلب خدمت شیخ محی‌الدین ابن عربی بود. در مدت اقامت در این شهر کتاب مفتاح‌الاسرار را تألیف نمود. در حدود سال ۸۳۰ هـ ق، در حلقهٔ مریدان شاه نعمت‌الله ولی قرار گرفت. در محضر شاه نعمت‌الله ریاضت‌ها کشید و در طریقت تا آنجا پیش رفت که از دست شاه نعمت‌الله، اجازه و خرقه تبرک گرفت». (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۹۴) وی به شاعر درباری مشهور نشده است، اما مدتی در هرات در دربار شاهرخ تیموری و مدتی در هند در دربار بهمن‌شاه خدمت کرد. سرانجام به اسفراین بازگشت و تا آخر عمر در آنجا زندگی کرد و در سال ۸۶۶ ق از دنیا رفت. آثار متعددی در نظم و نثر دارد، مشهورترین اثر وی در نثر، جواهرالاسرار است. به گفته صفا «این کتاب حدود سال ۸۴۰ هـ ق در اسفراین تألیف شده است». (صفا، ۱۳۶۴، ج ۴: ۳۲۵)

از جواهرالاسرار نسخه‌های متعددی باقی مانده است. چهار نسخهٔ مشهور در رسالهٔ دورهٔ دکتری تصحیح کرده‌ام که عبارتند از: نسخهٔ مجلس ۱ با شماره ۱۴۴۷۷ در ۲۶۰ صفحه، نسخهٔ مجلس ۲ با شماره ۵۸۸۲ در ۲۴۳ صفحه که کامل هستند و تمام باب‌ها را دارند. هر دو نسخه در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. نسخهٔ احیاء میراث اسلامی با شماره ۸۱۲ در ۶۱۲ صفحه در مرکز احیاء میراث اسلامی نگهداری می‌شود، این نسخه هم کامل است، اما در باب چهارم چندین صفحه افتادگی دارد. نسخهٔ گنج‌بخش پاکستان با شماره ۸۹۰، ۲۹۰ و ۴۷۲ در ۳۵۰ صفحه در کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام‌آباد نگهداری

می‌شود. چند صفحه ابتدایی، چندین صفحه از وسط و باب چهارم در این نسخه نیست. با مقابله نسخ، متنی پیراسته نوشته و بررسی موضوع مقاله براساس این متن می‌باشد.

ساختار کتاب در چهار باب تنظیم شده است: باب اول در معرفت اسرار حروف مقطعات از قرآن؛ باب دوم در اسرار احادیث نبوی است که در این فصل نه سرّ (حدیث) را شرح نموده است؛ باب سوم در اسرار کلام مشایخ است که در دو فصل آمده: فصل اول در بیان کلام منشور از مشایخ که در آن سیزده سرّ (کلام) است، فصل دوم در بیان کلام منظوم که ۳۷ بیت را شرح کرده است؛ باب چهارم در بیان کلام شعرا است و در آن ده فصل است که به ترتیب قصاید مشهوره، ابیات مجهوله، غزلیات مشهوره، اشکال مجهوله، اشکال مقطعات، اشکال مثنوی، رباعی، اشکال شاعری، اشکال معنیات و اشکال لغز می‌باشد.

۳-۲ نظرات شیخ آذری در باب شعر

شیخ آذری جزو شاعران برجسته دوره خودش بود که دیوانش نیز تصحیح شده است. وی با مشرب فکری عرفان‌گرایی، جواهر الاسرار را نوشت و با ذوق ادبی و دانش کافی از اشعار شاعران، در تبیین و تفسیر موضوع‌های مختلف استفاده کرد. در ارزشمندی شعر و جایگاه والای شاعران در آغاز باب چهارم گفته است: «بر عقول شریفه و طبایع لطیفه ارباب تمیز و بصارت و اصحاب کیاست و فراست، معین و مبرهن است که بعد از تنزیل الهی و منشورنامه پادشاهی و کلام ملک اعلا جلّت، کلمه و احادیث انبیاء هیچ سخن آراسته‌تر و پیراسته‌تر از سخن شعرای اسلام طیب الله انفاسهم بین الانام نیست که واردات قریحه ایشان همه نتیجه وحی است و الهام کلمات فصیح و نکات صریحه ایشان همه مطابق آمال و موافق احوال خواص است و عوام. بلبان بوستان تحقیق و طوطیان شکرستان توفیق‌اند. ساقیان شراب قدس و مطربان مجلس انس‌اند و پادشاهان مملکت نظم و نثر و خسروان اقلیم عهد و عصر غواصان دریای کمال و شهبازان هوای جمال و جلال». (نسخه: ۲۸۳)

در ادامه، ارزشمندی شعر را نزد پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار توضیح داده و تبیین کرده است که شعر با شریعت هم‌نواست و در اسلام پذیرش شده است. در کلّ متن کتاب، شعر دیده می‌شود که

حدود تقریبی ۳۰۰ بیت است و در تمامی ابواب استفاده کرده است. فراوانی کاربرد اشعار نشان می‌دهد که آذری اطلاعات کافی از شعر ماقبل خود دارد و با دانشی غنی به نوشتن جواهرالاسرار روی آورده است.

قبل از او کاربرد اشعار در متون مثنوی مربوط به سبک فنی و مصنوع می‌شد، چنانکه آثاری از این سبک آمیخته به اشعار عربی و فارسی مثل نمونه‌های مشهور کلیده و دمنه و مرزبان‌نامه، جهانگشای جوینی، گلستان سعدی و... را می‌توان نام برد. اثر شیخ آذری از نظر سبک نگارش در دوره تیموری قرار دارد. در کلیت سبک‌شناسی این دوره، نثر ساده و نثر فنی رواج داشت. بهار در معرفی سبک این دوره گفته است: سبک نثر این دوره حدّ متوسط یعنی میانه نثر ساده و نثر فنی است که اغلب نویسندگان این دوره به کار برده‌اند. (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۱۹۸) شمیسا نیز با نقل گفته بهار نوشته است «کتاب‌های این دوره گاهی ساده و گاهی متمایل به مصنوع است». (شمیسا، ۱۳۷۷: ۲۰۷) آذری مطابق با سبک دوره خود، کتابش را با سبک میانه نثر فنی و ساده نوشته است. در مقدمه اصلی کتاب و مقدمه سوم و چهارم، نثر مسجع را پیش گرفته و طبق اصول سبکی از اشعار استفاده کرده است، اما در متن اصلی نثر ساده را استفاده کرده است. در متن ساده نیز از اشعار استفاده کرده است در فصل اول و دوم از شعر در تبیین و توضیح مسائل استفاده کرده است و دو بخش مشخص (فصل دوم باب سوم و باب چهارم) در شرح اشعار قرار داده است. البته در کل کتاب از شعر در جهت زیبایی‌سازی، تبیین موضوع‌های مختلف استفاده کرده است.

۳- بحث و بررسی

۳- ۱ شرح ابیات

کتاب شیخ آذری یک منبع غنی در شرح اشعار کلاسیک است. فصل دوم باب سوم و کل باب چهارم اختصاص به شرح اشعار دارد که در نظر شیخ آذری این اشعار دارای اشکالات است که وی سعی نموده است تحلیل کند و اشکال را برطرف نماید. در شرح اشعار در فصل دوم باب سوم ۳۷ بیت اشعار شاعران عارف را شرح کرده و باب چهارم در ده فصل ۴۶ بیت را تفسیر کرده است که عبارتند از:

قصاید مشهوره: ۱۱ بیت، ابیات مجهوله: ۹ بیت، غزلیات مشهوره: ۱۱ بیت، اشکال مجهوله از غزل: ۲ بیت، اشکال مقطعات: ۵ بیت، اشکال مثنوی: ۲ بیت، اشکال رباعی: ۱ بیت، اشکال شاعری و آن چه متعلق اوست: ۱ بیت، اشکال معنیات: ۳ بیت و اشکال لغز: ۱ بیت. از کل حجم کتاب تقریباً ۴۰ درصد شرح اشعار است. در شرح ابیات، معنی مشخص و روان برای آنها نیاورده است فقط توضیحاتی آورده که معنی روان آن را مشخص کند. توضیحات گاه کوتاه است و فقط ظاهر بیت را توضیح داده است و گاه به تفصیل در مورد شعر بحث نموده است. از اشعار شاعران، ابیات مشکل را شرح نموده و گاه ابیات مشکل یک قصیده یا غزل شاعر را تفسیر کرده است. با این بخش باید آذری را در گروه منتقدان ادبی دوره کلاسیک قرار داد که در حوزه نقد ادبی فعالیت کرده است. در شرح دشواری اشعار شاعران موارد زیر مورد توجه وی است:

۳- ۱- ۱ شرح و تفسیر اصطلاحات و جمله‌های دشوار

مهم‌ترین شیوه آذری در شرح ابیات این مورد است. شرح او بر مبنای عرفان است و در شرحش نیز اغلب به داستان خاصی که پیرامون آن است، نظرات مختلفی که درباره آن گفته شده است و یا تفسیر براساس علم مربوط به آن را مد نظر قرار داده است. برای نمونه بیتی از نظامی را تفسیر کرده است که در دوره معاصر دستگردی از شرح او استفاده نموده و معنای مبهم شعر را حل کرده است.

اگر بر فرش موری، بگذرد فیل فتد افتاده‌ای را جامه در نیل

این بیت از خسرو و شیرین نظامی است که در دیدار خسرو و شیرین، شیرین آن را برای خسرو گفته است ابیات قبل و بعد آن در اثر نظامی چنین است.

به خسرو گفت شیرین کای خداوند	نه من چون من هزارت بنده در بند
ز تاجت آسمان را بهره‌مندی	زمین را زیر تخت سربلندی
اگر چه در بسیط هفت کشور	جهان خاص جهاندار است یکسر
بدین نزدیکی از بخشیده شاه	و ثاقی هست ما را بر گذرگاه

اگر تشریف شه ما را نوازد
اگر بر فرش موری بگذرد پیل
کمر بندد رهی گردن فرزند
فتد افتاده‌ای را جامه در نیل
ملک گفتا چو مهمان می‌پذیری
به جان آیم اگر جان می‌پذیری
(نظامی، ۱۳۸۸: ۱۱۷-۱۱۸)

اشکال اصلی بیت که شارحان معاصر معنای مختلفی درباره آن گفته‌اند، اصطلاح «جامه در نیل افتادن» است. اغلب آن را در معنای سوگواری آورده‌اند، اما شیخ آذری آن را با مفهوم ارجمندی و بزرگی تفسیر نموده است که کاملاً مطابق معنی و محتوای ابیات است. دهخدا ذیل جامه در نیل افتادن؛ مصیبت زده و سوگواری شدن این بیت را آورده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه نیل) از همین جا گویا شارحان در تفسیر بیت به اشتباه آن را با مفهوم سوگواری معنی کرده‌اند. اما اگر در ابیات دقت کنیم محتوای گفتگو مصیبت و عزا را نشان نمی‌دهد بلکه برعکس خوشبختی و سعادت را نشان می‌دهد، معنی ظاهری بیت چنین است: اگر بر فرش یک مورچه، پیلی گذر کند، گویا که جامه در نیل افتاده است. مفهوم بیت این است که اگر فرد والامقامی بر فرد کوچک و حقیری مهمان شود، آن فرد حقیر، سعادتمند می‌شود و شیرین با آمدن خسرو، خود را سعادتمند می‌بیند. آذری چنین مفهوم و معنای روشنی از بیت ارائه نداده است اما با اشاره به داستان داراب که پادشاه ایران شد افتادن جامه در نیل را سیر معنوی گفته است: «این بیت اشاره به قصه داراب است و مادر او همایون که چون متولد شد از بیم آنکه ناگاه پادشاهی از دست او بیرون رود او را در صندوقی کرد و در آب انداخت و آن گزری که باز یافت به سبب جامه که در نیل افتاده بود و بدان سبب به دولتی عظیم رسید و قصه دراز است و این صنعت را تلمیح خوانند و آنچه بعضی گفته‌اند که مراد از فیل ابرست و مقصود از افتاده جبهه است که چون ابر بر او بگذرد جامه جبهه در نیل افتد یعنی سیر گردد، وجه معنوی است». (نسخه: ۳۴۸-۳۴۹)

در تصحیح وحید دستگردی، در شرح بیت به سخن آذری طوسی استناد شده است و معنای مناسب را با تکیه بر اندیشه آذری چنین آورده است.

جامه در نیل افتادن کنایه از دو معنی ضد یکدیگر است: یکی لباس سیاه ماتم پوشیدن و دیگری جامه سرسبزی، سعادت و خوشبختی در بر کردن، زیرا از نیل، رنگ سبز و سیاه تولید می‌شود، کاربرد معنای اول فراوان و معنای ثانی کم است. (ر.ک. نظامی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

یا بیت زیر از اشعار منسوب به مولوی را شرح مفصلی کرده است. واژه‌های پالان، خشخاش و سندان واژه‌های مبهم شعر هستند که آذری آنها را توضیح داده و بر مبنای عرفان تفسیر کرده است.

دوش وقت صبحدم بر چرخ پالان یافتم در میان دانه خشخاش سندان یافتم

«در مورد این بیت و شرح غزل آن کتاب و مقاله نوشته شده است و همگی آن را منسوب به مولوی دانسته‌اند، اما شیخ آذری نام شاعر برای آن نیاورده است. در مقاله‌ای که در مورد شرح این بیت نوشته شده، آمده است چند شرح به فارسی، عربی و ترکی موجود است. در این مقاله به شرح آذری در پیشینه تحقیق توجه کرده است». (فروتن، ۱۴۰۱: ۸۶) شرح آذری قبل از شرح‌های دیگر است، اما در شرح‌های بعدی، شارحان از آن استفاده ننموده‌اند. در مصرع اول «دوش وقت صبحدم بر چرخ پالان یافتم» تفسیر متعدّد در واژه «پالان» آورده است ابتدا آن را پالان (پوششی ضخیم انباشته از کاه، پشم یا پوشال که بر پشت ستور می‌نهند برای نشستن یا بار نهادن). (معین، ۱۳۹۰: ذیل واژه پالان) آورده است و معنی کرده «یعنی صفت رحمت را بر چرخ محیط دیدم قوله تعالی الرحمن علی العرش استوی یعنی؛ چنانکه پالان جای نشست تحت انسان است، عرش نیز که جای پادشاه حقیقت است در تحت صفت رحمت دیدم». (نسخه: ۲۳۴) همچنین در ادامه چند تفسیر دیگر از این واژه ضبط کرده است. «می‌شاید که از پالان وصف حال خود گوید یعنی نزدیک یک صبحدم که وقت عروج سالکان است خود را بر چرخ یافتم و می‌شاید که از پالان عقل و نفس خواسته باشد، ... و می‌شاید که از پالان صفت قدرت حق مراد باشد». (همان: ۲۳۴-۲۳۵)

در مورد مصرع دوم «در میان دانه خشخاش سندان یافتم» نوشته است: «بدان که بعضی از سندان، دل مراد داشته‌اند و از دل معرفه‌الله و طایفه خشخاش کواکب را گفته‌اند و سندان فلک را که در میان خشخاش است و قومی دانه خشخاش نطفه شمرده‌اند و سندان سر را که بالقوه درو نطفه موجود است و گروهی خشخاش سندان، قالب خشخاش را دانسته است که در خشخاش

موجود است، اما آنچه بر زبان درویشان گذشته است آن است که مراد از دانه خشخاش رشاشه لطیفه روحی است که در پرده غلاف است چنانکه دانه خشخاش در پرده غلاف خود است». (همان: ۲۳۸)

۳-۱-۲ توضیح خوانش شعر با قواعد دستوری

در شرح برخی اشعار، تشخیص داده که دشواری شعر در خوانش آن است برای همین در تفسیر تکیه به شرح ساختار دستوری کرده است.

برای نمونه بیت زیر از حافظ را صرفاً در خوانش مصرع دوم توضیح داده است.

«پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد

اشکال این بیت بدان رفع می شود که مصرع ثانی را اگر مقول قول مرید می دارند معنی خطاست، از برای آنکه گویا خطایی بود که پیر ما او را ببوشید و اگر مقول قول پیر می دارند معنی صواب است چه پیر آفرین بر نظر پاک خداوند می کند که خطای بندگان می پوشد پس ضمیر راجع به حضرت باشد و این معنی صواب است و اکثر مردم در این غلط کرده اند اما به حسب واقع این بیت خالی از تساهلی نیست آن کسان که اهل صواب اند خطا نیز می کنند». (نسخه: ۳۳۴)

یا بخش تغزل از یک قصیده انوری را که در مورد آمدن بهار در مدح عمادالدین فیروزشاه سروده، شرح کرده است. برخی ابیات را مفصل و برخی ابیات را کوتاه شرح نموده است. در دو بیت زیر فقط ساختار دستوری را در حل معنی شعر توضیح داده است

در باغ چمن ضامن گل گشت ز بلبل آن روز که آوازه فکنند خزان را

اکنون چمن باغ گرفته است تقاضا آری بدل خصم بگیرند ضمان را

در تفسیر بیت گفته است: «اشکال این معنی در آن است که مردم چمن را فاعل تقاضا می دارند و حال آنکه چمن مفعول تقاضاست یعنی بلبل او را تقاضا می کند، اما گل را که خصم بلبل راجع به اوست خالی از عدواتی نیست». (همان: ۲۹۴)

۳-۱-۳ شرح علمی واژه‌های شعر

در توضیح واژه‌ها و اصطلاحات شعر علاوه بر اینکه تفسیر عرفانی و ادبی مهارت دارد، توانایی علمی وی در علم نجوم، طب، موسیقی و ... مشخص است. گاه نیاز به این توضیح‌ها در حلّ دشواری بیت نیست، اما شیخ آذری گویا صرفاً به جهت توضیح علمی واژه آن را آورده است. برای نمونه در شرح بیت زیر که در ادامه ابیاتی از سلمان ساوجی آورده است، صرفاً بیماری سل را به طور مفصل توصیف کرده، ویژگی‌های آن را گفته، نظر اطباء و راه‌های درمان آن را توضیح داده است.

خصمت ز راه محنت مستسقی ست چون دلو وز غم چو ریسمان شد معلول علّت سل

«سل به اصطلاح اطباء ریش گشتن شش را گویند و می‌شاید که رطوبتی لزج از سر شش فرود آید و صرفه و ضیق‌النفس تولّد کند. اگر چه این علّت فی‌الحقیقه ریو است و لیکن به مشابه حال خداوند این علّت را مسلوک گویند ... و میان اطباء خلاف است در آنکه ریش شش درست می‌شود یا نه گروهی می‌گویند که ممکن نیست چه هر عضو مجروح را که درست کنند، اول ساکن باید کرد و شش را ساکن نمی‌توان کرد چه شش باد ویزن دل است ساکن نتواند بود، فامّا جالینوس می‌گوید که حرکت مانع درست شدن نیست، اگر سببی دیگر با آن یار نشود چه حجاب نیز همیشه متحرک اوست و خلاف این است که حرکت او درست می‌شود. پس اگر چه سبب شش سرفه خلطی باشد درست نشود از بهر آنکه جراحت تا از ریم پاک نشود ممکن نیست که درست گردد و پاک شدن جراحت و سرفه جراحت را بزرگ‌تر کند». (همان: ۳۲۵-۳۲۶)

۳-۲ استفاده از شعر در تفسیر موضوع‌های عرفانی

بخش اصلی کتاب در کنار تفسیر و شرح اشعار، موضوع عرفانی است و این کتاب را باید جزو متون عرفانی بدانیم. حروف مقطعه، شرح احادیث و سخن مشایخ عرفان سه باب اول کتاب است که

در آنها از شعر استفاده کرده است. کاربرد ابیات در این بخش‌ها در مقایسه با شرح ابیات، آمار قابل توجهی دارند و به طور تقریبی ۲۰۰ بیت است. این ابیات به دو صورت در متن آمده است.

۳- ۲- ۱ آوردن بیت در مفهوم سخن

در این مورد شرح و توضیحی در مورد بیت نیست و صرفاً مطابق سبک نگارش رایج، شعر و نثر را با هم آمیخته است و از شعر به عنوان زیبایی‌سازی یا اعاده سواد علمی و مترادف معانی با متن استفاده کرده است. برای نمونه در آغاز باب اول در تفسیر حروف مقطعه آورده که افراد مختلفی در مورد اسرار این حروف نظر داده‌اند. در ادامه بیت زیر را در مترادف معنایی با مفهوم سخنش آورده است و در مورد آن هیچ توضیحی نداده است و بلافاصله متن را ادامه داده است.

«و هر یک به قدر فهم سخنی گفته‌اند وَ ذَلِكَا مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ،

هر یک به دلیل عقل رمزی گفتند آن نکته که اصل بود ناگفته بماند»

(نسخه: ۲۸)

۳- ۲- ۲ آوردن بیت برای اثبات سخن

در مورد قبلی نیز اثبات سخن یکی از اهداف درج شعر است، اما در مواردی با تأکید از قول شاعری در اثبات گفته خود استفاده کرده است، برای نمونه در بخش حروف مقطعه در مورد الف توضیح داده و با آوردن «كَفَلِ الشَّاعِرِ» (همانطور که شاعر می‌گوید) به گونه‌ای سخن خود را با سند معتبر ارایه داده و اثبات کرده است.

«لَامِ الْفِ حَرْفٌ وَاحِدٌ بِهٖ وَجْهٌ دُو حَرْفِ سِتِّ وَ بِهٖ وَجْهٌ چَهَارِ حَرْفِ سِتِّ وَ بِهٖ وَجْهٌ

شش حَرْفِ سِتِّ كَقَوْلِ الشَّاعِرِ:

از لام الف که شش حروفند ملفوظ هر یک به وجود خویش لوح محفوظ

از سر چهار آن که بی تکرارند خرم دل آن کس که باشد محظوظ

(نسخه: ۳۳)

در نمونه زیر در توضیح طایفه محبوبان که مورد ملامت قرار می‌گیرند، قصه حضرت یوسف^(ع) و بنیامین را آورده است و برای اثبات سخنش بیتی از عنصری را در این مفهوم استفاده کرده است: «این طایفه محبوبانند که از آن هدف تیر ملامت گردانید تا آینه اخلاص ایشان از ظلمت یقین صورت مضمون یابند چنانکه حضرت یوسف علیه‌السلام که با ابن یمین کرد و تهمت دزدی بر او انداخت تا به سبب آن او را از دیگران مجرد ساخت دیگر آن را ذنب و بدی می‌نمود و یوسف را علیه‌السلام کمال صلاح و نیکی.

با دشمن و دوست زان بدت می‌گویم تا هیچ کست دوست ندارد جز من»

(همان: ۸۵)

در ارتباط این اشعار با متن اغلب بدون جملات رابط آورده، اما در مواردی عبارت‌های «چنانکه گفته‌اند»، «قول شاعر»، «به نظم این است» و یا آوردن «بیت»، «نظم»، «شعر»، مصراع با متن اصلی ارتباط داده است. اغلب اشعار را بدون ذکر نام شاعر و در مواردی اندک با ذکر نام شاعر آورده است.

برای نمونه در باب دوم بیتی از سنایی را در توضیح آیه قرآنی آورده و با «قَلِ الشَّاعِرِ» با متن مرتبط کرده است. «يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اِرْجِعِ إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً پس برین تقدیر نفس چهار باشد كَقَلِ الشَّاعِرِ

نفس اماره است و لوامه است وان گه ملهمه مطمئنه با سه دشمن در یکی پیراهن ست»

(همان: ۱۶۴)

یا ابیات زیر از گلشن راز را در مفهوم ولایت آورده است که نام او را ذکر نکرده است. «چنانکه در معنی ولایت رسول گفته‌اند.

نبی چون آفتاب آمد ولی ماه مقابل کرد اندر ولی مع الله
نبوت در کمال خویش صافی است ولایت اندر و بیدانه مخفی است»

(همان: ۷۵)

البته در چندین مورد دیگر اشعار وی را با عنوان «صاحب گلشن» ذکر کرده است. در نمونه زیر مستقیم نام عطار را آورده است: «چنانکه حروفات عالیه، صفات یک حرف نیست که در مرتبه ذات آن را علم خوانند به اعتبار تعلق چندین صفت مختلف ازو اعتبار کرده‌اند چنانکه شیخ فرید-الدین عطار گوید:

جمله یک ذات است اما متصف جمله یک حرف و عبارت مختلف»

(همان: ۱۲۳)

۳-۳ جایگاه شاعران در کتاب

نام شاعران برجسته ادبیات کلاسیک از جمله عنصری، سنایی، نظامی، انوری، خاقانی، عطار نیشابوری، محمود شبستری، مولوی، سلطان ولد، سعدی، حافظ و دیگران در جواهرالاسرار تکرار شده است و این کتاب یک منبع مهم در شناخت زندگی و شعر شاعران می‌باشد. از شاعران عربی نیز شعر ذکر کرده، اما در مقایسه با اشعار فارسی انگشت شمار است برای نمونه اشعاری از دعبیل خزاعی در منقبت امام رضا^(ع) آورده است. برخی اشعار نیز سراینده نامعلوم دارد و برخی نیز شاید سروده خود وی باشد.

در شناخت شاعران و زندگی نامه آنها یا توضیح شاعری‌شان، شیخ آذری مدخل مشخص و معین قرار نداده است، اما در اثنای مطالب به اقتضای موضوع در توضیح مطلبی یا تفسیر اشعار، به زندگی شاعران پرداخته است. البته هدف اصلی وی بیان زندگی نامه افراد و اظهار نظر در شعر آنها نیست و به اقتضای موضوع‌های ابواب به آن پرداخته است. در اغلب موارد آن را رها کرده و به مباحث مورد نظرش پرداخته است. بنابراین زندگی نامه کامل شاعران در کتاب موجود نیست، گاه مفصل است و گاه در حد معرفی در یک خط آورده است.

برای نمونه در توضیح ارزشمندی شعر و شاعری بعد از اینکه ابیاتی از نظامی آورده، می‌خواهد ابیاتی از عطار بیاورد قبل از آن در مورد اختلاف سال وفات عطار گفته است و خودش سال ۵۸۶ را اعلام کرده است: «وفات شیخ فریدالدین عطار در شهور سنه ست و ثمانین و خمس

مائه بوده است، اما در این تاریخ اختلاف است والعلم عندالله اصح آن است که مذکور شد». (همان: ۲۸۴)

شارحان دوره معاصر با تأکید بر اختلاف سال وفات عطار این تاریخ را رد کرده‌اند و هر کدام نظراتی دارند. نفیسی در زندگی‌نامه مفصلی که برای عطار نوشته، گفته است: «درست‌ترین تاریخ رحلت او ۶۲۷ است». (نفیسی، ۱۳۸۴: ۲۹) و تاریخ آذری را با قاطعیت و با اثبات از آثار عطار و اقوال گذشتگان و اسناد موجود رد کرده است». (همان: ۶۹) شفیع کدکنی نیز در مقدمه مختارنامه با شرح مفصل در موضوع سال وفات وی، بیان کرده در تاریخ آن مورخین اختلاف نظر دارند و از سال ۶۱۷ تا ۶۲۷ را ثبت کرده‌اند لیکن آنچه مسلم است شیخ در قتل عام نیشابور شهید شده و این واقعه را مورخین متفقاً در ۶۱۸ ثبت کرده‌اند و معتقدند بر دست کفار تاتار شهید شده است. (ر.ک. عطار، ۱۳۸۶: ۲۹)

در باب دوم فصل سوم، در تفسیری از شعر حافظ، در مورد ارزشمندی شاعری وی گفته است. ابتدا بیت زیر را آورده است

ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود وین بحث با ثلاثه غساله می‌رود
قبل از تفسیر بیت گفته است:

«این سخن مولانا شمس‌الدین محمد حافظ است و او را لسان‌الغیب می‌گویند و رای طور شاعری او را طوری است چنانکه عاشق رومی گوید:

«شعر چه باشد برم تا که زخم لاف ازو هست مرا فن دگر غیر فنون شعر را

و حافظ میان شعرا تنهاست هرگز مثل او نبوده در این طور و الله علی کل شیء قدیر. معارف الهی و حقایق نامتناهی را در لباس صورت شعر هیچ صاحب مشرب چون او خرج نکرده است». (همان: ۳۳۴)

در بیان اشکالات رباعی، ابتدا یک رباعی از کمال‌الدین اسماعیل (شاعر قرن هفتم) آورده است، قبل از شرح رباعی، شاعری وی را در رباعی‌سرایی در مقابل رباعیات مهستی گنجوی شاعر

قرن پنجم و ششم نقد کرده و رباعیات مهستی را برتر از شعر او معرفی کرده است. «این رباعی کمال اسمعیل است و رباعیات او اگر چه به کمال است فاما مردی و راستی آن است که درین فن با وجود مهستی، اولی آن است که حرم خود نگاه دارند. غایتش آن است که کسی برابر او بگوید و بر تقدیر تسلیم، در مقابله او در آمدن از عقل نیست و ناموس خود شکستن است و او این شیوه را به حد بلاغت رسانیده است». (همان: ۳۴۹)

در بیان زندگی‌نامه شاعران، زندگی مولوی را مفصل‌تر از دیگران آورده است، تقریباً خروج از بلخ تا دیدار شمس و رفتن او را آورده است. ارجاعاتش، کتاب سلطان ولد بوده و اشعاری را از ابتدای نامۀ او استناد کرده است. در فصل دوم باب سوم در سرّ دو بیت زیر از غزل مولوی:

در منزل اوّل به دو فرسنگی هستی در قافله امت مرحوم رسیدیم
ما آتش عشقیم که در موم رسیدیم چون شمع پروانه مظلوم رسیدیم

بیان کرده است: «اوّل نسبت مولانا و کیفیت حال معلوم باید کرد تا بعد از آن به شرح سخن او شروع کرده آید». (نسخه: ۲۲۳)

ابتدا در مورد نسبش صحبت کرده و اصالت او را به ابوبکر صدیق رسانده است. «بدانکه او را مولانا جلال‌الدین محمد بن محمدحسین البلخی البکری گویند که به حسب نسبت به امیرالمؤمنین ابی‌بکر می‌رسد». (همان: ۲۲۵) «این نسب میان شارحان معاصر نیز گفته شده است». (فروزانفر، ۱۳۸۵: ۲۸) اما در مورد نسب شمس نیز اطلاعاتی آورده که در کتاب‌های معاصر موجود نیست، نام پدر او و رسیدن نسبش به امام جعفر صادق را گفته است: «اما فتح کار او از سلطان‌المحبوبین و المعشوقین شمس‌الدین تبریزی بود که بعضی گویند پسر خوانند علا‌الدین است و بعضی برآند پسر امام اسماعیل بن جعفر صادق است رضی الله عنهما و اسماعیله او را امام می‌خوانند، فاما این خبر صحت نیافته به حسب تاریخ وافق نمی‌آید». (نسخه: ۲۲۵)

در ادامه بعد از چند بیت دیگر باز گفته است: «و او را شمس‌الدین زردوز گویند کما هوالمشهور پسر خوانند علاالدین الموتی است که او را از غایت جمال و بیم مخالفان در تبریز در میان عوارات مستوری می‌داشت در میان ایشان زر دوزی یاد گرفت.» (همان: ۲۲۷)

فروزانفر در بیان زندگی نامه شمس او را اهل تبریز معرفی کرده و گفته است: «شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک راد از مردم تبریز بود و خاندان وی هم اهل تبریز بودند و دولت‌شاه او را پسر خواند جلال‌الدین یعنی جلال‌الدین حسن معروف به نومسلمان از نیاد بزرگ امید که مابین سنه ۶۰۷ - ۶۱۸ هجری حکومت الموت داشت، شمرده و گفته است که جلال‌الدین شیخ شمس‌الدین را به خواندن علم و ادب نهانی به تبریز فرستاد.» (فروزانفر، ۱۳۸۵: ۸۷) در ادامه گفته «و این سخن سهو است، زیرا؛ این حکایت در منابع دیگر ضبط نشده و خوانند جلال‌الدین پسری به نام شمس نداشت.» (همان: ۸۷ - ۸۸)

در زندگی نامه مولوی، واقعه خروج پدرش از بلخ به دلیل رنجش از خوارزمشاهیان، رفتن به قونیه، جانشینی پدر، مریدی برهان‌الدین، آمدن شمس نزد او، پرسیدن این سؤال که بایزید بهتر است یا حضرت محمد (ص)، آغاز ارتباط آنها، حسادت مریدان به شمس و رفتن شمس را آورده است.

مأموریت شمس از سوی شیخش برای تحوّل مولوی را چنین گفته است: «اما شمس‌الدین تبریزی مذکور را شیخ رکن‌الدین به تربیت مولانا جلال‌الدین فرستاد و به گفت که برو و در روم سوخته هست آتشی درو زن که عالمی روشن خواهد کردن شمس‌الدین چون به قونیه روم رسید مولانا جلال‌الدین بر استری سوار می‌گذشت گفت بایست عنان باز کشید گفت شمس‌الدین، محمد بزرگ‌تر است یا بایزید مولانا گفت نه که محمد، شمس‌الدین گفت بس بایزید چرا گفت لوای اعظم من لوای محمد او علی الفور جوابی شفافی نتوانست گفت مرکب براند و همه شب در این اضطراب بود تا صبح در اثنای درس درآمد و باقی قصه مشهور است.» (نسخه: ۲۲۸)

در ادامه بر طبق اشعار سلطان ولد نوشته است همنشینان و مریدان مولانا جلال‌الدین به سبب الفت و تربیت شمس‌الدین از صحبت مولانا محروم گشته بودند، عاقبت الامر باهم اتفاق کرده و قصد هلاک شمس‌الدین کردند چو شمس‌الدین از آن معنی خبر یافت، عزیمت دمشق می‌کند مولانا را اشتیاق او بقرار می‌گردانید. سلطان ولد را به استدعای او به دمشق می‌فرستد شمس‌الدین باز به روم رغبت می‌کند.

بعد از این سال تولد و مدت عمر مولوی را گفته و شعر را تفسیر کرده است در تفسیر بیت «در قافله امت مرحوم رسیدم» با استناد به سخنان عرفا از مراحل طریقت بی‌حد و حصر گفته و بعد از تفسیرها منزل اول را همان ناسوت و امت مرحوم را امت حضرت محمد (ص) معرفی نموده است: «غایت کمال ترقی مقامات که آخر است به اعتبار رفتن اول است به نسبت آمدن بس آنچه مولوی فرموده است که در منزل اول بدو فرسنگی هستی اگر به اعتبار آمدن گیرم منزل اول احدیت ذات باشد یعنی به اعتبار لطیفه خفی و هستی عالم ناسوت مراد باشد که ظاهر محسوس است و از دو فرسنگی عالم جبروت و ملکوت که بر رهگذر است در قافله امت مرحوم رسیدیم امت مرحوم امت محمد است». (همان: ۲۳۰ - ۲۳۱)

نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی جایگاه شعر و شاعران در نسخه خطی جواهرالاسرار شیخ آذری طوسی پرداخته شد. جواهرالاسرار یکی از آثار ارزشمند در معرفی شاعران، ارزیابی اشعار شاعران، تفسیر و شرح دشواری شعر است. اشعاری از عنصری، انوری، سنایی، خاقانی، نظامی، عطار نیشابوری، مولوی، سلطان ولد، شیخ محمود شبستری، سلمان ساوجی، حافظ، کمال‌الدین اسماعیل و شاعران دیگر شرح داده شده یا در مواضع مختلف آمده است. ۸۳ بیت را مستقیماً شرح کرده است، علاوه بر آن حدود ۲۰۰ بیت را در کل متن به اقتضای موضوع آورده است. در اثنای تفسیر اشعار نیز به زندگی‌نامه برخی شاعران و نقد شعر آنها پرداخته است. اطلاعاتی در ارتباط با تفسیر شعر، زندگی‌نامه شعرا و نقد اشعار آنها در این اثر موجود است که می‌توان آن را به عنوان مرجع معرفی کرد و با تحقیقات معاصر مقایسه نمود. چنانکه برخی از این اطلاعات آذری در دوره معاصر مورد پذیرش محققان قرار گرفته و برخی رد شده است. در نتایج شرح و تفسیر شعر، بررسی نسخه نشان داد: شیخ آذری به عنوان مفسر عرفان سعی نموده برخی اشعار عرفانی را شرح نماید و بخشی نیز بررسی اشعار شاعران غیرعارف مثل نظامی است. در شرح به بررسی واژه‌ها، اصطلاحات مبهم و دشوار، ساختار دستوری و محتوای عرفانی توجه ویژه دارد. از شعر در کل اثر استفاده کرده و علاوه بر شرح و تفسیر، ابیات را در کل متن برای زیبایی‌سازی و استفاده علمی و ادبی در جهت تبیین موضوع‌ها استفاده نموده است.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - آذری اسفراینی، حمزه بن علی، (۱۳۹۰)، *دیوان آذری اسفراینی*، تحقیق و تصحیح محسن کیانی، سیدعبّاس رستاخیز، تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲ - آذری طوسی، حمزه بن علی، (بی تا)، *نسخه خطی جواهرالاسرار*، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۴۴۷۷.
- ۳ - _____، (بی تا)، *جواهرالاسرار*، نسخه خطی گنج بخش پاکستان، شماره ۸۹۰ و ۴۷۲/۲۹۰.
- ۴ - _____، (بی تا)، *جواهرالاسرار*، نسخه خطی مجلس ۲، شماره ۵۸۸۲.
- ۵ - _____، (بی تا)، *جواهرالاسرار*، نسخه خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، شماره ۸۱۲.
- ۶ - بهار، محمدتقی، (۱۳۴۹)، *سبک شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- ۷ - دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، *لغتنامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۸ - سمرقندی، امیر دولتشاه، (۱۳۸۲)، *تذکره الشعرا*، به تصحیح ادوارد بروان، تهران: اساطیر.
- ۹ - شمیسا، سیروس، (۱۳۷۷)، *سبک شناسی نثر*، تهران: میترا.
- ۱۰ - صفاء، ذبیح الله، (۱۳۳۸)، *مختصری در تاریخ تحوّل نظم و نثر پارسی*، تهران: چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۱ - _____، (۱۳۶۴)، *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۴: تهران: فردوس.
- ۱۲ - فروتن، عبدالرّسول، (۱۴۰۱)، *شرح عربی غزلی منسوب به مولوی اثر یوسف بن حمزه ملاطی با مطلع: دوش وقت صبحدم در چرخ پایان یافتم ... عرفان پژوهی در ادبیات*، شماره ۲: صص ۱۸۳-۲۱۲.
- ۱۳ - معین، محمد، (۱۳۹۰)، *فرهنگ معین*، تهران: امیرکبیر.
- ۱۴ - فروزانفر، بدیع الزّمان، (۱۳۸۵)، *مولانا جلال الدّین، مشهور به مولوی*، تهران: معین.
- ۱۵ - عطّار نیشابوری شیخ فریدالدّین محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۶)، *مختارنامه*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

-
- ۱۶ - نظامی، الیاس بن یوسف، (۱۳۸۸)، خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجه‌ای، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- ۱۷ - نفیسی، سعید، (۱۳۶۳)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۱۸ - _____، (۱۳۸۴)، زندگینامه عطار، تهران: اقبال.
- ۱۹ - هندوشاه استرآبادی، محمدقاسم، (۱۳۸۸) تاریخ فرشته، ج ۲، تصحیح و تعلیق و توضیح از محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.